

اعدام اصلاهی و قضا در اسلام

امیرفیض- حقوقدان

آقای کوهیارگودرزی فعال حقوق بشر در بی سی مقاله ای منتشر کرده در رابطه با اعدام آقای محسن اصلاهی. ماحصل مقاله مزبور در این جهت است که اتهام آقای اصلاهی دقیقا معلوم نیست و چنین بنظر میرسد که عدالت در پرونده مزبور نسبت به متهم رعایت نشده است.

ایرادات آقای گودرزی وارد است اما نه نسبت به متهمی که در جمهوری اسلامی محاکمه میشود. مسائل مورد تذکره آقای گودرزی نشانات یافته از حقوق بشر و حاکمیت قوانین مدون و مدرن است و همانطور که ایشان میدانند **مبنای وجودی و مشروعیت حقوقی جمهوری اسلامی نشانات یافته از حقوق اسلامی است نه حاکمیت مردم و قوانین مدون.**

ممکن است آقای گودرزی به اعتبار قانون آئین دادرسی حقوق جزای جمهوری اسلامی توقعات خودشان را تحریر کرده باشند ولی مسلما این توجه از رعایت دقیق ایشان بدور بوده که قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین مبانی حقوق اسلامی از جمله قرآن و سنت اجازه نمیدهد که قوانینی مورد عمل جامعه اسلامی و بالطبع حکومت اسلامی قرار گیرد که مخالف با فقه و حقوق اسلامی باشد؛ و این صراحت عینا در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم قید است.

قضا در اسلام بستگی به تشخیص شخص قاضی دارد نه اسباب جرم و یا کیفیت اثبات جرم به متهم که در آئین دادرسی کشورها معمول است، مراحل رسیدگی استیناف و تمیز و امثال آنها هم در قضای اسلامی بکلی مفقود است و اگر جمهوری اسلامی تمسک به این مراحل را لازم میداند برای نمایش و رعایت حالت تقیه و مخفی ساختن ماهیت اسلام است، و الا فصل قضا در اسلام دقیقا همان است که قاضی صلواتی به اعدام محسن امیراصلاهی حکم داده است، نمونه قضای اسلامی اعدام همان ۴۰۰۰ نفر زندانی در سال ۶۷ است که بتشخیص کسانی که مامور بودند اعدام شدند.

همه کسانی که در زمان خمینی اعدام شدند دقیقا بدون وکیل و یا ارائه شاهد و رعایت اصول دادرسی معمول در همه کشورهای جهان اعدام شدند، مگر در مورد آنان رسیدگی و حضور وکیل و مراحل استیناف و امثال آنان روند داشت؟ حقوق بشر و فعالین آن هم در آن سالها اعتراضی نکردند زیرا میدانستند که حکومت جمهوری تابع حقوق جزای اسلامی و قضای اسلامی است، نه حق حاکمیت مردم و قوانین موضوعه از سوی مردم.

سنت محمد در قضا در اسلام شاهد مقصود است (چند نفری که از محمد کار میخواستند محمد به چراندن شترهای حکومت مامور کرد آنها شترها را فروختند و فرار کردند محمد علی را مامور دستگیری آنها کرد آنها دستگیر شدند محمد حکم داد چشمان آنها را آوردند و دست و پای آنها را قطع و رهانشان کنند تا اینکه بمیرند) (تاریخ اسلام) **آیا محمد آنها را محاکمه کرد؟ آیا اثبات اتهام شد؟ البته که خیر.**

در تمام طول تاریخ اسلام بندرت صحبت از محاکمه و دادرسی شده بدون آنکه مراحل آن بازگوشده باشد، فقط تشخیص حاکم کافی برای مجازات متهم بوده است و در مذهب تشیع هم فقط تشخیص مجتهد کافی است که قضاوت را شکل اسلامی بدهد.

اینکه خمینی و دیگران مانند او مدعی اند که حکومت میتواند اجرای قوانین اسلامی و احکام اسلامی را معلق و متوقف سازد ادعائی ناوارد و در ماهیت شرکت به خدا و بدعت بر احکام اسلامی است.

آقای گودرزی معترض است که چرا امیراصلائی ۸ سال بدون محاکمه و تفهیم اتهام زندانی بوده است. این چنین اعتراضاتی به حقوق قضائی مدرن و اعلامیه حقوق بشروارد است که مقرر میدارد ظرف ۲۴ ساعت باید اتهام متهم به او گفته شود و نمیتوان متهم را بدون حکم دادگاه زندانی ساخت ولی در قضای اسلام از این مقررات دست و پاگیر (اقتباس از متن قانون اساسی جمهوری اسلامی) خبری نیست، تاریخ اسلام بسیار نمونه هادارد که متهم بدون تفهیم اتهام آنقدر در سیاه چال ها (زندان های اسلامی) مانده تا پوسیده.

ناوارد بودن اعتراض حقوق بشری

اعتراضات جامعه جهانی به جمهوری اسلامی از باب عدم رعایت حقوق بشر بطور کلی ناوارد و مردود است زیرا:

حقوق بشر، همانطور که اعلامیه جهانی آن میگوید، مشتمل بر حقوقی است که گروهی از انسان ها آن حقوق را برای افراد بشر حق مسلم شناخته اند.

به عبارت روشن عده ای که مسلمان هم نبوده و کافر بوده برای همه مسلمانان جهان و کفار یک رشته حقوق مشخصی را مقرر ساخته یعنی به جای خدا برای مردم تعیین تکلیف و حق کرده اند.

آیا یک حکومت اسلامی که خود را مقید به رعایت اسلام و حقوق اسلامی ناظر بر قرآن و سنت میداند به اعلامیه جهانی حقوق بشر آنهم در حالیکه مغایرت با قرآن را یدک میکشد ابراز وفاداری و خود را پایبند آن کند، مسلماً خیر زیرا قبول آن یعنی اعلامیه جهانی حقوق بشر با صراحت قرآن که حقوق مردم را در هر شرائطی مقرر کرده منافات دارد و اساساً کافر حق تعیین تکلیف برای مسلمان را ندارد.

برخی از کشورهای اسلامی ملاحظات تاکیدی قرآن و سنت را درباره حقوق مردم نادیده گرفته و با

قبول حق حاکمیت مردم، قوانین مدون را جایگزین قوانین شرعی کرده اند و بهر حال قانون اساسی

آن کشورها از قید الزامات و رعایت قوانین شرعی معاف گردیده مانند ایران زمان شاهان پهلوی.

اعتراض سازمان های حقوق بشری و مجامع بین المللی به این کشورها درباره نقض حقوق بشر می تواند وارد باشد.

ولی اعتراض سازمان های حقوق بشری به کشورهای از جمله جمهوری اسلامی که حق حاکمیتی برای مردم به اعتبار صراحت قرآن قائل نیست، و قوانین آن کشور نمیتواند از چارچوب قرآن و سنت خارج باشد وارد نیست؛ چرا وارد نیست زیرا:

علاوه برآنکه عرض شد، جوامع بین المللی از جمله سازمان حقوق بشروسازمان ملل وهمچنین عهد نامه های بین المللی با علم به موقعیت حقوقی جمهوری اسلامی عضویت آن کشور را پذیرفته، یعنی با علم به اینکه جمهوری اسلامی اعتباری برای اعلامیه جهانی حقوق بشرویا خودداری از تحمیل دین اسلام به کشورهای دیگر قائل نیست و این امور را هم در قانون اساسی کشورش پیاده کرده و امر مخفی نیست، عضویت سازمان ملل وسایر جوامع جهانی را تقاضا کرده و آن سازمان ها هم عضویت آنرا پذیرفته اند. این پذیرش، یک نوع قبول ضمنی است و جای اعتراض را برای حقوق بشرو جوامع ملل مسدود میسازد.

مثالش روشن است باشگاهی از مخالفان دخانیات تشکیل میشود (در تشبیه - سازمان ملل و حقوق بشر) وهیئت مدیره آن باشگاه سعی دارد که همه مخالفان دخانیات به باشگاه بپیوندند یکی از معتادین به دخانیات رسماً اعلام میکند که معتاد است (جمهوری اسلامی) وتلاش هم دارد که اعتیاد به دخانیات را گسترش دهد (قانون اسلام وقانون اساسی جمهوری اسلامی) معهداً هیئت مدیره باشگاه، اورا به عضویت می پذیرد (جمهوری اسلامی رابه عضویت سازمان ملل اعلامیه جهانی حقوق بشرمیپذیرد) آیا هیئت مدیره آن باشگاه میتواند از آن عضو (جمهوری اسلامی) انتظار داشته باشد که خود آن عضو (جمهوری اسلامی) سیگار نکشد؟

قاضی صلواتی

قاضی صلواتی یک قاضی مسلمان است یعنی به حقوق اسلامی وقضا در اسلام وارد وآگاه است نخستین آگاهی او در این زمینه است که نمیتواند وحق ندارد که دادرسی غیراسلامی را جایگزین قضا در اسلام کند. هرکس این تشخیص را ندهد یک قاضی مسلمان حتماً میدهد، همین تشخیص است که نیازی به دلیل وپرونده وشهود واثبات جرم ومجازات وامثال آنها را نمیبیند وهرچه خودش تشخیص داد مورد لحوق حکم است وحکم هم اسلامی است.

تلاش گرگ برای همشکلی با گله

جمهوری اسلامی به سختی در تلاش است که ماهیت حقوقی ودینی خود را از فهم عمومی مردم مخفی نگهدارد وبا تشکیل مجلس قانونگزاری وتصویب برخی قوانین ماهیت تبهکارانه وعقب مانده قوانین اسلامی را پوشش دهد درست مانند گرگانی که سعی میکنند در معیت گله حرکت کنند وگوسفندان و چوپان غافل گردند که گرگان در کنار گله وبشکل گله درآمده اند؛ تادرفرصت مناسب با گله آن کنند که خمینی درشورش ۵۷ با ایرانیان کرد وجمهوری اسلامی اکنون بشکل دیگری در هوس انجام آن با همه کشورهای دیگر است، فکر میکنم که تکلیف همه میهن پرستان براین مهم استوار باشد که نگذاریم جمهوری اسلامی با استفاده از الفاظ، تقیه، توریه وامثال آن ها ماهیت خود را پوشیده سازد.